

نقش کتابخانه‌ها در تحقق جوامع اطلاعاتی و معرفتی

دکتر عباس حُزَی

استاد دانشگاه تهران

چکیده

جامعه معرفتی به مثابه فضایی که از تقویت و ارتقاء دانش (عیان/ نهان) اجتماعی مایه می‌گیرد و جامعه اطلاعاتی به عنوان فضایی که دانش موجود را برای جویندگان اطلاعات قابل دستیابی و بهره برداری می‌سازد دو گونه جامعه‌ای هستند که یکدیگر را کامل می‌کنند و یکی جایگزین دیگری نیست. کتابخانه‌ها (به معنای وسیع کلمه) به اعتبار اینکه دانش تولید شده جامعه را - بعضاً یا کلاً - گردآوری و ذخیره سازی می‌کنند، در پیشبرد جامعه معرفتی سهمی عمده دارند؛ و به اعتبار آنکه شرایط دستیابی به دانش تولید شده را به منظور دریافت اطلاعات مورد نیازشان فراهم می‌سازند جامعه اطلاعاتی را ارتقاء می‌بخشند. بنابراین، بیجا نیست که تعدد، تنوع، و چگونگی عملکرد کتابخانه‌های یک جامعه را از جمله جلوه‌های بارز نیل به جامعه معرفتی و اطلاعاتی تلقی کنیم، و برنامه ریزی برای ارتقاء تولید دانش و تبادل اطلاعات به منظور حصول این دو نوع جامعه را در گرو رشد و ارتقاء کتابخانه‌های هر جامعه‌ای بدانیم؛ چنانکه می‌توان ادعا کرد: سرمایه گذاری برای پویا سازی همه جانبه کتابخانه‌ها، در واقع، سرمایه گذاری در جهت نیل به جامعه معرفتی و اطلاعاتی است.

کلید واژه‌ها: کتابخانه. دانش. اطلاعات. جامعه معرفتی. جامعه اطلاعاتی

مقدمه

از جامعه اطلاعاتی و نیز جامعه معرفتی تعاریف متعدد و متنوعی ارائه شده و مترادف هایی برای آن به کار رفته که جامعه دانش محور، جامعه پست فوردیسم، و جامعه پست مدرن از آن جمله است. در واقع، به اعتبار همین آخرین نام، جامعه اطلاعاتی گرفتار تکثر معنی و تفسیر پست مدرنیستی گردیده است. اما بیش از همه، دو نام جامعه اطلاعاتی و جامعه معرفتی با نوعی ترادف به جای یکدیگر و گاه یکی در قبال دیگری، از جمله جامعه معرفتی، به عنوان اصطلاحی مرجح نسبت به جامعه اطلاعاتی، به کار رفته است.

اسکات لاش^۱ (۲۰۰۲، ص ۱۴۱) جامعه اطلاعاتی و جامعه معرفتی را یکی می داند. رابینز و ویستر (۱۳۸۴) در چندین جای اثر خود اطلاعات و دانش را به صورت "اطلاعات / دانش" به کار برده اند، و حال آنکه یونسکو در برنامه های توسعه ای خود بیشتر بر جوامع معرفتی تأکید دارد و می کوشد جوامع معرفتی را به جای جامعه اطلاعاتی معرفی کند. معتمد نژاد در سخنرانی خود به مناسبت روز جهانی جامعه اطلاعاتی (۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵)، ضمن پذیرش غیرمستقیم نقطه نظر یونسکو، جامعه معرفتی را در مرتبه ای پیشرفته تر از جامعه اطلاعاتی قرار می دهد و اظهار امیدواری می کند که بتوان "حداقل بعد از ایجاد جامعه اطلاعاتی، به سوی جوامع معرفتی حرکت کرد" (گزارشی.....، ۱۳۸۵، ص ۲).

در این نامگذاری ها یا ترجیح دادن ها نوعی سرگردانی می توان یافت که ناشی از سه عامل کاملاً مشخص است:

۱. در ارزیابی درونی هریک از این دو نوع جامعه اتفاق نظر نیست؛
۲. میان دانش و اطلاعات تمایز روشنی صورت نگرفته است؛
۳. مصداق بیرونی جامعی از هیچ یک از این دو جامعه نمی توان یافت که به عنوان شاهدی استوار ملاک داوری قرار گیرد.

در نخستین مورد، سنجۀ واحدی که بتوان با آن جامعه‌ای را ارزیابی کرد و جایگاه یا مرحله مشخصی از گذار آن را به سوی جامعه مورد نظر تعیین کرد وجود ندارد. دست کم پنج سنجۀ به طور روشن مورد اشاره قرار گرفته است که سنجه‌های فن‌آورانه، اقتصادی، شغلی، مکانی، و فرهنگی است (وبستر، ۱۳۸۰) که حضور یک یا چند سنجۀ از این مجموعه به عنوان مشخصۀ جامعه اطلاعاتی مورد اشاره قرار گرفته است. این رویکرد بیشتر "این زمانی" است و از منظر جامعه‌شناسی به مسئله می‌نگرد. اما گروهی نیز از منظر تاریخی (در زمانی) به آن می‌نگرند و اگر نگرشی جامعه‌شناختی هم دارند بیشتر از نوع جامعه‌شناسی تاریخی یا روشن‌تر "تاریخی - سیاسی" است. این گروه، نوعی جبر تاریخی را دنبال می‌کنند و گذار از "جامعه توده‌وار" به "جامعه مدنی" و سپس "جامعه اطلاعاتی" را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند (مدیریان، ۱۳۸۵، ص ۹). اما در باب اینکه آیا در زمان حاضر ما به کدام یک از این جوامع تعلق داریم، یا دست کم همپوشی و همزمانی کدام یک از این انواع را شاهد هستیم سخنی نرفته است.

دومین عامل، که می‌توان در متون به وفور یافت، مربوط به تمیز میان دانش و اطلاعات است. در منابع، تولیدکنندگان آثار، به راحتی و در "واقع" به طور غیر مسئولانه، این دو اصطلاح را مترادف یکدیگر به کار می‌برند، و حتی چنین بی‌دقتی‌هایی بعضاً به واژه‌نامه‌ها نیز راه یافته است؛ هرچند اهل نظر این دو را از یکدیگر متمایز می‌کنند. دانش به مجموعه داشته‌های یک ارگانیزم (فرد یا جامعه) اطلاق می‌شود؛ و اطلاعات، آن مقدار داده‌هایی است که برای هر ارگانیزم معنی دار شده و وارد مجموعه پیچیده دانش پیشین وی می‌گردد، و حاصل آن ممکن است سبب افزایش، کاهش، ایجاد سادگی، یا ایجاد پیچیدگی در پیشداشته‌های او گردد. بدین ترتیب، آنچه تولید شده و وجود یافته "دانش" است، چون تجلی همه یا جزیی از داشته‌های ذهن هاست و آنچه توسط ذهن‌ها دریافت می‌شود اطلاعات است. به بیان دیگر خروجی ذهن دانش است و ورودی به ذهن اطلاعات است. بنابراین، می‌توان گفت که برخی یکسان‌پنداری‌های موجود دربارهٔ جامعه معرفتی و جامعه اطلاعاتی، ناشی از سهل‌انگاری در تفسیر مفهومی دانش و اطلاعات و برخی نیز ناشی از زاویه دید افراد است. از لحاظ زاویه دید،

جامعه واحدی را گروهی از منظر تولید می‌نگرند و آن را جامعه معرفتی می‌نامند، و گروهی دیگر همان جامعه را از منظر دریافت ارزشگذاری می‌کنند و نام جامعه اطلاعاتی بر آن نهند. بنابراین، هرگاه یکسان‌پنداری صرفاً به سبب تفاوت در زاویه دیدها باشد پذیرفتنی است، اما اگر ناشی از سهل‌انگاری باشد نابخشودنی است.

سومین رویکرد آرمان‌گرایانه است. یعنی گروهی بر آرمانی بودن چنین جامعه‌ای - جامعه اطلاعاتی - تأکید می‌ورزند و آن را از نوع اتوییا، مدینه فاضله، یا ناکجاآباد می‌دانند (داودی، ۱۳۸۲). در این رویکرد آرمان‌گرایانه، طبعاً جامعه اطلاعاتی دارای خصایل سراسر مثبت است و به نوعی آرمانشهر می‌ماند که همه چیز آن در غایت سلامت و امنیت قرار دارد. البته مصداقی در زمان حاضر برای آن نمی‌توان یافت؛ و حتی چشم‌انداز روشنی نیز برای نیل به آن نمی‌توان ترسیم کرد.

نگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی به جامعه معرفتی / اطلاعاتی

رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به جامعه اطلاعاتی و معرفتی به گونه‌ای دیگر می‌نگرد و در قیاس با رویکردهای موجود، در عین آنکه اصولی را برای تبیین مفاهیم رعایت می‌کند، از نوعی واقع‌بینی مقبولی نیز برخوردار است، زیرا می‌کوشد که نقش کتابخانه‌ها را نیز در دست یافتن به جامعه اطلاعاتی / معرفتی دنبال کند. آنچه در پی می‌آید هم به اجمال نقطه نظر این رشته را مرور می‌کند و هم به نقش کتابخانه‌ها به عنوان نهادهای عملیاتی کردن نقطه نظرهای این رشته در چنین جوامعی اشاره خواهد داشت. در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، جامعه معرفتی به جامعه‌ای اطلاق می‌شود که مردم آن به استفاده مؤثر از دانش حوزه مورد علاقه خویش می‌پردازند و آنگاه به نوبه خود تولید دانش می‌کنند و برگنجینه دانش آن حوزه می‌افزایند. در این گونه جوامع، شکل‌های مختلف دانش بخش عمده‌ای از فعالیت‌هاست و چرخه پرشتاب تولید و باز تولید سبب می‌شود که دانش هم ماده خام و هم تولید عمده جامعه تلقی گردد، در حالیکه جامعه اطلاعاتی به جامعه‌ای گفته می‌شود که در آن تولید، سامان بخشی، و توزیع اطلاعات تبدیل به فعالیت عمده اقتصادی و فرهنگی شده باشد.

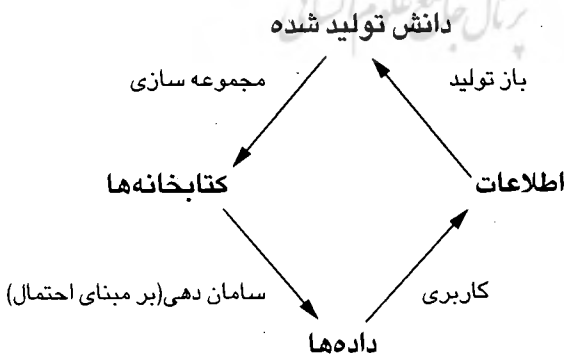
جامعه معرفتی از منظر جامعه‌شناسی نه یکایک افراد را به عنوان عناصر نظام اجتماعی، بلکه "خرد نظام" ها و "کلان نظام" های اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد و معرفت‌شناسی اجتماعی (اینکه جامعه چه و چگونه می‌داند) به جای معرفت‌شناسی فردی (یعنی اینکه فرد چه و چگونه می‌داند) مورد توجه قرار می‌گیرد. افراد جلوه‌های معرفت فردی و کتابخانه‌ها جلوه‌های معرفت اجتماعی هستند. کتابخانه‌ها با ذخیره سازی دانش عیان سروکار دارند، زیرا دانش نهان (که در ذهن افراد ذخیره شده) زمانی قابل بازیابی، بازخوانی، و ارزشگذاری است که به دانش عیان تبدیل شده باشد. در واقع، دانش نهان در زمره ذخایر فردی و دانش عیان جزو ذخایر اجتماعی است. به همین اعتبار، برای مطالعه جامعه معرفتی باید این گونه نظام‌های اجتماعی را مورد مطالعه قرار داد. کتابخانه‌ها بارزترین نظام‌هایی هستند که معرفت هر جامعه را متجلی می‌سازند؛ زیرا معارف جوامع عمدتاً در کتابخانه‌ها ذخیره می‌گردد (کتابخانه در اینجا به معنای عام به کار رفته و ناظر بر کلیه نظام‌هایی است که طبق سیاست خاصی اطلاعات پراکنده را گردآوری کرده و ساختاری هدفمند برای بهره‌برداری اطلاعاتی فراهم آورده باشند. نظام‌هایی که از پیوند خرد نظام‌ها پدید آمده و شبکه‌ای همگن را بوجود آورده باشند نیز همگی در این معنا قرار می‌گیرند).

نشر منابع معرفتی جریان سیالی است که در طول زمان و در فضاهای متفاوت رخ می‌دهد و در این جریان، پیوسته با جایگزینی و نوبه نو شدن سروکار داریم؛ و در این نوبه نو شدن، ممکن است منبعی جدید جایگزین منبع پیشین شود. منبع تغذیه کتابخانه‌ها عرصه نشر است، ولی ذخیره سازی‌های مستمر و سامان دهی‌های هدفمند، کتابخانه‌ها را با عرصه نشر متفاوت می‌سازد.

اما جامعه اطلاعاتی با جریان یافتگی دانش در قالب اطلاعات معنی پیدا می‌کند. زیرا آنچه تولید شده "دانش" فرد تولید کننده است و آنچه از آن تولید معرفتی توسط دیگران کسب می‌شود "اطلاعات" است که با توجه به خلاءها و نیازهای ساختار معرفتی دریافت کننده برگزیده می‌شود، و از آنجایی که ساختار معرفتی افراد با یکدیگر متفاوت است، نوع اطلاعاتی که هریک از آن افراد از تولید معرفتی واحدی اخذ می‌کند الزاماً با آنچه

دیگری برمی‌گزیند یکسان نیست.

جریان دسترس پذیری، فراهم سازی مجراهای مناسب انتقال، سامان بخشی تولیدات معرفتی در جهت افزایش احتمال دستیابی کاربران، و فشرده سازی زمان و مکان در بازیابی‌ها، و مواردی از این دست از مؤلفه‌های جامعه اطلاعاتی است. کتابخانه‌ها، از منظر جامعه معرفتی تولیدات صاحبان دانش را گردآوری و ذخیره سازی می‌کنند؛ لیکن از منظر جامعه اطلاعاتی، شرایط دسترس پذیری آن تولیدات را فراهم می‌آورند. این دسترس پذیری احتمال تولید مجدد دانش را از سوی استفاده کنندگان افزایش می‌دهد و، بدین ترتیب، ورودی مجدد آتی کتابخانه‌ها را تضمین می‌کند. بنابراین، جامعه معرفتی و جامعه اطلاعاتی نه با یکدیگر مترادف‌اند، نه متباین‌اند، و نه متوازی؛ بلکه مؤلفه‌های چرخه واحدی هستند که تعامل اجتماعی پایداری را سبب می‌شود (تصویر ۱). همه دانش تولید شده جامعه داده‌هایی هستند که در آستانه دریافت از سوی کاربران کتابخانه‌ها معنی می‌یابند، ارزشگذاری می‌شوند، و بعضاً یا کلاً نقش "اطلاعات" را ایفا می‌کنند.



تصویر ۱. چرخه تعامل دانش و اطلاعات در جامعه

نقش کتابخانه‌ها در جامعه معرفتی / اطلاعاتی

کتابخانه‌ها، بدین ترتیب، هم وجه معرفتی جامعه را (به اعتبار جامعه معرفتی) و هم وجه اطلاعاتی یعنی دستیاب کردن را (به اعتبار جامعه اطلاعاتی) تحت تأثیر قرار می‌دهند. بدین ترتیب که هرگاه فقط به گردآوری و ذخیره سازی دانش تولید شده بسنده کنند تنها جلوه‌ای از معرفت جامعه را در برهه‌ای از زمان متجلی می‌سازند و اگر به دستیاب کردن دانش تولید شده با استفاده از همه مجراها و فنون موجود نپردازند، نه تنها جامعه اطلاعاتی تحقق نخواهد یافت، بلکه به دلیل سوء تغذیه اطلاعاتی، تولید دانش در جامعه نیز دچار رکود یا کندی خواهد شد، و بازتاب آن نیز متقابلاً پیکره معرفتی کتابخانه‌ها را فرسوده یا کم بنیه خواهد کرد؛ و این چرخه بیمار ضعف و فرتوتی معرفت اجتماعی را سبب خواهد شد که قادر به فراهم آوردن شرایط دستیابی به نو یافته‌ها نخواهد بود.

کتابخانه - به بیانی استعاری - ارگانیزم زنده‌ای است که اطلاعات مورد نیاز خود را از تولیدات محیط دریافت می‌کند و اطلاعات دریافت شده را در ساختار معرفتی خود جای می‌دهد. ساختار معرفتی هر کتابخانه را سیاست‌ها و اهداف ناظر بر آن کتابخانه تعیین می‌کند. بدین ترتیب، هر کتابخانه خود دارای ساختار معرفتی ویژه‌ای است که با ساختار کتابخانه‌های دیگر متفاوت است، اما همگی شرایط بهره‌گیری از عناصر معرفتی خود را براساس احتمال برای کاربران بالقوه خویش فراهم می‌سازند.

توانایی انتقال اطلاعات از سوی کتابخانه‌ها تابع حداقل چهار عامل زیر است:

الف. ظرفیت معرفتی کتابخانه؛

ب. میزان داشته‌ها در قیاس با نداشته‌هایش؛

ج. میزان و کیفیت بازگشودگی مجراهای دستیابی به اطلاعات؛

د. میزان رجوع یا در معرض قرار گرفتن افراد در قبال مجراهای بازبایی اطلاعات.

کتابداری به تلاش در جهت به کارگیری راهکارهای استفاده مؤثر افراد از دانش تولید شده می‌پردازد که مد نظر جامعه معرفتی است و سامان بخشی تولیدات و توزیع آنها با استفاده از مناسب‌ترین تدابیر و فن‌آوری‌ها با هدف دستیاب کردن اطلاعات مورد نظر و

نیاز کاربران تلاش دیگری است که در قالب اطلاع رسانی صورت می‌گیرد و مورد نظر جامعه اطلاعاتی است.

بنابراین، می‌توان گفت که نیل به جامعه معرفتی / اطلاعاتی محور اصلی فعالیت‌های کتابداری و اطلاع رسانی را تشکیل می‌دهد؛ و بدین ترتیب، هر گونه سرمایه گذاری در پیشبرد اهداف کتابخانه‌ها، در واقع، سرمایه گذاری در جهت هموار ساختن مسیر نیل به جامعه معرفتی / اطلاعاتی است.

دانش در عصر حاضر تبدیل به مهم‌ترین سرمایه شده و کامیابی هر جامعه در آن است که از این سرمایه تا حد امکان خوشه چینی کند و جامعه نیز می‌بایست شرایط دسترس پذیری آزادانه به دانش را برای افراد فراهم آورد و این در گرو میزان به کارگیری فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی است که هم کار ذخیره سازی و سامان دهی دانش و هم کار بازیابی و اشاعه اطلاعات را آسان و انعطاف‌پذیر ساخته است؛ و به همین دلیل بخش عمده‌ای از سرمایه گذاری برای کتابخانه‌ها باید به این گونه فن‌آوری‌ها و منابع انسانی شایسته و مناسب به منظور بهره‌وری اختصاص یابد.

مآخذ

داودی، مهدی (۱۳۸۲). "جامعه اطلاعاتی همچون اتوپایی فن‌آوران". اطلاع‌شناسی. سال اول، شماره ۲ (زمستان)، ص ۱۵۵-۱۶۸.

رابینز، کوین؛ وبستر، فرانک (۱۳۸۴). عصر فرهنگ فناوری: از جامعه اطلاعاتی تا زندگی مجازی. ترجمه مهدی داودی. تهران: توسعه.

"گزارشی از سمینار یونسکو، جامعه اطلاعاتی و جوامع معرفتی" (۱۳۸۵). بزرگراه فناوری. سال اول، پیش شماره، ۳۰ اردیبهشت.

مدیریان، حجت‌اله (۱۳۸۵). "مبانی نظری جامعه اطلاعاتی". بزرگراه فناوری. سال اول، پیش شماره، ۳۰ اردیبهشت.

وبستر، فرانک (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه اطلاعاتی. ترجمه اسماعیل قدیمی. تهران: قصیده‌سرا.